

جنگ خلیج فارس در یک نگاه

نوشته: هاخ هوفر

ترجمه: حسین یکتا

در جنگ خلیج فارس دنیای غرب با تمام توان خود به کشور عراق حمله کرد و با تکنولوژی پیشرفته خود این کشور را به ویرانی کشید به اعتقاد صاحب نظران، خرابی‌های باقی از این حمله وحشیانه به عراق تا سال‌های سال قابل جبران نیست و اقتصاد تک پایه‌ای عراق قادر نخواهد بود ظرف دهسال آینده بازسازی این کشور را به اتمام رساند. تجربیات نظامی حاصله از این جنگ یک طرفه دیدگاه‌های متفاوتی را در بین صاحب نظران نظامی ایجاد کرده است. این افراد ... با بهره گیری از این تجربیات جمع بندی‌های نئوریک جدیدی را تدوین نموده و آن‌ها را در سیاست‌های نظامی کشورها بویژه کشورهای ضعیف اعمال نمایند. از آنجا که در جنگ خلیج فارس اتکاء به سلاح‌های پ یشرفته و بدون حائز اهمیت بوده و ارتش عراق نیز واقداً انگیزه‌های لازم جهت مقابله با این تهاجم گسترده بوده است، جمع بندی‌های ارائه شده دارای جامعیتی در خور توجه نیستو صرفاً می‌توان آن‌ها را بعنوان توصیه‌های کارشناسان نظامی آن هم با توجه به تفکر حاکم بر نظام سرمایه داری تلقی کرد.

در زیر مقاله ارائه شده توسط سرلشگر هاخ هوفر که در ماهنامه ارتش سوئیس به حساب رسیده است جهت اطلاع خوانندگان آورده می‌شود.

تاریخچه جنگ‌های مختلف یک اصل را ثابت کرده اند و آن اینکه هیچ جنگی کاملاً شبیه جنگ قبلی نبوده است و عوامل مختلفی در آن‌ها دخالت داشته که وضعیت جدیدی را ایجاد می‌نموده اند. در نتیجه به نظر می‌رسد پس از جنگ خلیج فارس، جنگ بعدی خاورمیانه شکل دیگری خواهد داشت و جنگ بعدی اروپا نیز مانند جنگ‌های قبلی نخواهد بود تاکتیک‌ها و تکنیک‌های جدید نظامی بستگی به عوامل مختلفی مانند شرایط زمین، موقعیت جغرافیایی، کمست و کیفیت سلاح‌ها، نیروها و... دارد، کسی می‌تواند برنده واقعی جنگ باشد که تمام عوامل و ریشه‌های بحران‌ها را بررسی و راه حل مطمئن آنرا پیدا کند.

در زمان جنگ شرایط خاصی پیش می‌آید که نیاز به انعطاف پذیری و تغییر تاکتیک‌های نظامی دارد و کسی نمی‌تواند از قبل خود را برنده نهایی جنگ بداند. تنها کسی موفق است که بتواند بر تمام شرایط و تغییرات ناگهانی مسلط شده و راه حل‌های مناسب، سریع و عملی را بکار بندد به هر حال تاریخچه تمام جنگ‌ها و همچنین جنگ خلیج فارس باید بررسی و تجزیه و تحلیل شوند و در این تجزیه و تحلیل‌ها نباید فرماندهان نظامی بدنبال یک نسخه از پیش نوشته شده پیروزی باشند. بلکه درک پدیده جنگ و عوامل به وجود آورنده آن بسیار مهم است. در حقیقت اطلاعات چندانانی در مورد جنگ خلیج فارس در دست نیست، اگر چه هیچگاه همه حقایق در مورد این جنگ افشاء نمی‌شود، اما به هر حال واقعیت‌ها خود را نشان خواهند داد و هر صاحب نظری موظف است با اطلاع به دست آمده ترسیمی از جنگ ارائه نماید. به همین دلیل به صاحب نظران نظامی توصیه می‌شود جهت کسب درس‌های بیشتر از جنگ خلیج فارس به نکات زیر توجه نمایند.

اصل غافلگیری

جنگ خلیج فارس با یکسری عملیات گمراه کننده همراه بود، مدت‌ها مانورهای عملیاتی انجام گردید و مذاکرات تلفنی بوش با سران کشورهای مختلف، کنفرانس‌های مبارزه با بحران تشکیل و با شکست روبرو گردیدند راه حل‌های سیاسی ارائه می‌شد ولی اطلاعات غلط از منظور

اصلی آمریکا داده می‌شد. به این ترتیب مردم به صلح امیدوار می‌شدند و فکر می‌کردند که جنگی آغاز نشود اما بر خلاف آنچه گفته می‌شد جنگ کویت آغاز گردید و نیروهای صدام حسین نیز غافلگیر شد و نتوانستند عکس‌العملی از خود نشان دهند.

فرماندهی استراتژیک

رئیس جمهور آمریکا با بهره‌گیری از یک دیپلماسی بسیار فرصت طلبانه نظر سایر کشورها را جلب و از سازمان ملل متحد نیز این اختیارات را گرفته بود که دست به یک عملیات نظامی بزند. سازمان ملل متحد با عنوان کردن مسئله امنیت جهانی رای به اجرای عملیات نظامی داد اما آمریکا تحت همین عنوان از منافع خود دفاع می‌نمود و از مصوبه سازمان ملل به نفع خود استفاده نمود باید قبول کرد که در جهان امروز هر کشوری که خواهان امنیت برای خود است بایستی نقش اب قدرت‌ها و منافع آن‌ها را نیز در نظر داشته باشد و به خود تلقین نماید که حق ابر قدرت هست که در مقدرات امنیتی و ملی کشورها نیز صاحب حق باشند.

اصل هدف

در یک جنگ اصل هدف اهمیت زیادی دارد و مشخص کردن اهداف استراتژیک بسیار مهم است کلیه سربازان بایستی هدف خود را از ادامه جنگ بدانند و اهداف ناشناخته و غیر ممکن باعث سرخوردگی سربازان بایستی هدف خود را از ادامه جنگ بدانند و اهداف ناشناخته و غیر ممکن باعث سرخوردگی سربازان می‌شود. کارشناسان نظامی اهداف استراتژیکی در کشور رقیب را بایستی بخوبی بررسی نمایند. گاهی ایداف تعیین شده در طول جنگ تغییر می‌نمایند. تعریف روشن از یک هدف و ارتباط صحیح بین واحدهای نظامی باعث موفقیت ستاد فرماندهی عملیات خواهد شد. فرماندهی عالی نظامی وقتی موفق است که هدف از انجام عملیات نظامی و دستاوردهای آنرا برای پرسنل و ملت بطور واضح و آشکار بیان نماید وگرنه جنگ طلافی خواهد شد و خونریزی زیادی به‌مراه خواهد داشت. همانگونه که تشریح گردید اهداف نظامی بایستی در دسترس و روشن باشند. یعنی:

۱- اهداف استراتژیکی از نظر تاکتیکی قابل دسترسی باشند.

۲- اهداف عملیاتی از نظر تاکتیکی قابل دسترسی باشند.

۳- عملیات تاکتیکی در جهت اهداف عملیاتی باشند.

۴- فرماندهی عملیاتی در محل باید خود را با اهداف استراتژیکی تطبیق دهد و در جهت رسیدن به آن تلاش نماید.

۵- هیچیک از سطوح فوق نباید برای حل مشکلات یکدیگر دخالت بنمایند برای مثال در جنگ خلیج فارس، رئیس جمهور، وزیر دفاع و رئیس ستاد مشترک در امور فرماندهی عملیات دخالت ننمودند و فرماندهی عملیات نیز در طرح‌های استراتژیکی که نقاط ضعف در آن نهفته بود دخالت نکرد.

روحیه رزمی

در جنگ اخیر هر دو طرف درگیر دارای ارتش خوبی بودند اما توازن قوا برقرار نبود هواپیماها، تانک‌ها، موشک‌ها و تجهیزات نظامی بطور کلی عوامل محسوس در یک جنگ بسیار مهمند اما عوامل نامحسوس بسیار مهم‌ترند سرباز بایستی به رهبریت و فرمانده خود اعتقاد داشته باشد و به ملت خود اعتقاد داشته باشد، به رفاه خود و خانواده اش اطمینان داشته باشد علاوه بر تمام این‌ها آموزش لازم برای بکارگیری تجهیزات را دیده باشد. به طور کلی روحیه رزمی معیار ثابتی ندارد و در طول جنگ تغییراتی در آن حاصل می‌شود پیروزی در یک نبرد، شرایط آب هوائی، تجهیزات پرسنلی، تدارکات نظامی و خستگی سرباز از جنگ نقش مهمی در تقویت یا کاهش روحیه رزمی دارند و گاهی اوقات ممکن است سرباز فقط به پیروزی فکر نکند بلکه بفکر زنده ماندن خود باشد. پس لازم است روحیه رزمی در تمام جهات تقویت شود.

برآوردهای عملیاتی

در یک جنگ امکان دارد وضعیت بحرانی و غیر مترقبه و یا شرایط غیر قابل پیش‌بینی بوجود آید لذا نمی‌توان بطور سیستماتیک وضعیت آینده را پیش‌بینی کرد. گاهی ممکن است عوامل در ظاهر بسیار کوچکی تاثیرات مهمی در پیروزی یا شکست نیروها داشته باشند. کارشناسان نظامی پیش‌بینی کردند که تلفات نیروهای آمریکائی ۳۰/۰۰۰ نفر خواهد رسید، برخلاف تصورات

اسرائیل در جنگ شرکت نکرده سلاح هایش ۲۰ درصد مورد استفاده قرار نگرفتند و در عراق کودتائی روی نداد علیرغم تمام پیش بینی‌های کارشناسان استراتژیکی بسیاری از موانع ایجاد شده توسط عراق به سادگی بر داشته شدند. با این وجود نمی توان در یک جمله اهمیت این پیش بینی‌ها را نادیده گرفت بلکه باید تدابیر لازم برای تمام این مسائلی بشود تا چنانچه ضرورت داشته باشد بموقع عکس العمل نشان داده شود.

تکنولوژی پیشرفته

انسان‌ها در طول تاریخ همیشه با سلاح‌های عصر خود جنگیده اند و به نسبت تکنولوژی زمان خود تاکتیک‌ها و تکنیک‌های جدیدی را ابداع نمودند. شاید در صد سال آینده رای مردم آن زمان جنگ کویت و تاکتیک‌ها و تکنولوژی استفاده شده در آن بسیار عقب افتاده و خنده آور باشند اما در حال حاضر باید قبول کرد که نقش تکنولوژی بسیار مهم بوده. نیروهای دفاعی که در اروپا مستقر هستند در حالت پدافندی می‌باشند ولی وقتی درگیر جنگ شوند مشخص می‌گردد که به مدرنترین تجهیزات تهاجمی مسلح هستند.

هر کس که بخواهد از حقوق خود در مقابل یک متجاوز دفاع نماید لازم است تجهیزاتی در اختیار داشته‌خ باشد که شانس موفقیت وی را زیاده‌تر نماید. رقابت‌های تسلیحاتی کاهش پیدا می‌کنند ولی هیچگاه متوقف نمی‌شوند در نتیجه وقتی یک طرف به تسلیحات مدرن مجهزست و طرف دیگر سلاح‌های قدیمی در اختیار دارد میل به خشونت در طرف قوی تقویت شده و در نهایت، آتش جنگ بر افروخته خواهد شد.

دکترین عملیاتی

دکترین جنگ سرد و ادامه آن در طول سال‌های گذشته طرح ریزی‌های زیادی را ایجاب می‌نمود که بایستی به نحوی به نمایش گذاشته می‌شد. بر اساس طرح‌های نظامی شوروی بایستی اولین ضربه نظامی را نیروهای پیمان ورشو به اروپای غربی وارد می‌نمودند که پس از پایان جنگ سرد ژنرال شوارتزکف دقیقاً همان ضربه‌ای را که برای نمایش قدرت قرار بود شوروی به اروپای غربی بزند به عراق وارد نمود و در حقیقت برگ برنده نهایی را بزمین زد. طرح‌های آمریکا در این

رابطه عبارت بود از:

- ۱-انهدام کامل نیروی هوایی دشمن در زمین و هوا و انهدام تاءسیسات حیاتی عراق
- ۲-انهدام سلاح‌های شیمیائی، میکروبی و اتمی و کارخانجات تولید این سلاح‌ها
- ۳-انجام عملیات فریبنده و تظاهر به تک در یک منطقه و انجام عملیات در منطقه دیگر
- ۴-درهم شکستن خطوط پدافندی عراق

کارشناسان نظامی سوئیس در تجربه و تحلیل‌های خود اینطور نتیجه گیری نکنند که چون صدام حسین در برابر آمریکا به سرعت شکست خورد پس نقش ارتش چندان مهم نیست و مانیز که کشور کوچکی هستی تاب مقاومت در برابر یک نیروی نظامی قوئی را نداریم. بلکه باید شرایط منطقه مد نظر قرار گیرد و بخاطر داشته باشند که کویت یک منطقه کویری بوده و سوئیس یک منطقه کوهستانی است و جنگیدن در کوهستان با کویید تفاوت زیادی دارد.

تاکتیک‌های رزمی سیستماتیک

نظر گلاس و تپس کارشناس نظامی آلمان بر اساس (حمله به مرکز ثقل نیروهای دشمن) هنوز در بسیاری از دانشگاه‌های نظامی تدریس می‌شود. دکترین نظامی آموزش ارتش سوئیس نیز بر اساس همین نظریه قرار دارد بدین ترتیب پس از شناسائی کامل نقاط ضعف دشمن یگان‌ها زرهی، نیروهای تانک دشمن و یگان‌ها توپخانه واحدهای توپخانه دشمن را هدف قرار می‌دهند. مدیریت استراتژیک و تاکتیکی نیز بایستی مراکز استراتژیک و تاکتیکی دشمن را هدف خود قرار دهند و عدم اجرای این تاکتیک موجب شکست خواهد بود.

تبلیغات در جنگ

یکی از نقاط ضعف عمده کشورهای دمکراتیک و رسانه‌های گروهی آن‌ها هستند که با اخبار و اطلاعات بی مورد خود به اهداف دشمن کمک می‌نمایند. تجربه جنگ کویت نشان داد که رسانه‌های گروهی نبایستی همه چیز را به مردم بگویند اما این هم صحیح نیست که به رسانه‌های گروهی دروغ گفته شود. در یک عملیات غالگیرانه حفظ طلاعات بسیار مهم و حفظ جان افراد

بستگی به این اطلاعات دارد و چنانچه این اخبار پخش شوند عده زیادی جان خود را از دست خواهند داد. باید اهمیت حفاظت اطلاعات به مردم توضیح داده شود. متأسفانه در جنگ خلیج فارس این روش اعمال نگردید و سانسور زیادی اعمال گردید و رسانه‌های گروهی و جبهه خود را از دست دادند بطوریکه مردم اخبار حقیقی آن‌ها را نیز باور نمی کردند.

نقش اطلاعات در جنگ

اطلاعات در پیشرو جنگ نقش بسیار حیاتی دارند. مانند آنست که یک بکسور در رینک با حریف کوری روبرو شود نتیجه مشخص است آنکه حریف را می بیند به آسانی او را از بین می برد. سیستم‌های الکترونیکی شکل جمع آوری اطلاعات را بکلی عوض کرده اند و آن هدفی که کاملاً شناسایی شود مورد حمله قرار می گیرد. طبیعتاً هدفی که بخوبی شناسایی شده باشد مورد اصابت قرار گرفته و منهدم می شود. ماهواره‌ها و سیستم‌های پیشرفته الکترونیکی کارایی زیاد داشته و سایر وسائل جمع آوری خبر را تحت الشعاع خود قرار می دادند اما همین سیستم‌ها نیز نتوانستند محل اختفای صدام حسین را پیدا کنند اطلاعات الکترونیکی و ماهواره‌ای وقتی کامل می شوند که با اطلاعات جمع آوری شده توسط افراد تقاطع داده شوند.

آموزش

واحدهای زرهی ارتش آلمان که به عربستان سعودی اعزام شده بودند پس از بازگشت به آلمان اعلام نمودند که تنها آموزش با اسلحه و مهمات کشقی کافی نیست و بایستی سربازان با مهمات واقعی تمرین کنند و در مانورهای جدی شرکت نمایند.

تاکتیک‌های نظامی

مدیریت جنگ‌های الکترونیکی و هوایی ماموریت دارد تا خطوط ارتباطی و مخابرات دشمن را فلج نماید اما این روش نبایستی بطور صد در صد متمرکز و با نظر مرکز فرماندهی انجام شود

بلکه به فرماندهان بایستی استقلال تصمیم‌گیری داده شود و این قابلیت انعطاف را داشته باشند که در صورت ضرورت بتوانند مانورها و تاکتیک‌های جدیدی بکار بگیرند و طرح‌ها را تغییر دهند.